

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سازمان سوسیالیستهای کارگری افغانستان

۰۷ جون ۲۰۱۷

اطلاعیه سازمان سوسیالیست های کارگری افغانستان در مورد حمله جنایتکارانه روز چهارشنبه در کابل و تحولات پس از آن

شبکه های اسلام سیاسی در افغانستان با تباری استخبارات منطقه و پاکستان و حلقات معین در داخل حکومت غنی و عبدالله صفحه دیگری از بربریت و قتل عام را در شهر کابل گشودند، بیش از پنجمصد کشته و زخمی نتیجه این سناریوی وحشت و دهشت اسلامی بود. وقوع این بربریت علیه مردم زحمتکش و بی دفاع افغانستان در حالی که یک بار دیگر تعریف هویت افراطیت اسلامی و امیال فوق ارتجاعی گروه های طالب و داعش و اخوانیزم در افغانستان را تجسم می بخشد، بیانگر جوهر حاکمیت فوق ارتجاعی کرزی غنی و عبدالله نیز هست که با پیوستن رسمی و مجلل جنایتکارترین شاخه اسلام سیاسی به رهبری گلبدین حکمتیار به آن، این صف ارتجاعی تکمیل تر نیز شده است. صفی که پراتیک همه آنها در تمام این مدت جز قربانی گرفتن از زندگی، امنیت و رفاه انسانها در افغانستان هیچ محصول دیگری را در قبال نداشته است.

وقوع این بربریت مانند همیشه امواج عظیم نفرت و انزجار مردم افغانستان را در قبال داشت که به صورت خود جوش روز جمعه در شهر کابل به راه افتاد و با خواست و شعار «غنی، عبدالله، استعفاء، استعفاء!» گسترش یافت و پشتیبانی گسترده ای را به دست آورد ولی از جانب حاکمیت غنی و عبدالله با فرمان دادن به گارد خاص ریاست جمهوری و استفاده از سلاح گرم و ماشین های زرهی به خاک و خون کشیده شده و زندگی پنج تن از معترضان را به یغما برد.

به نظر سازمان سوسیالیست های کارگری افغانستان حقیقتی که در قبال تمام این فجایع در افغانستان و فاجعه هولناک کنونی به صورت عمومی آشکار است و پیشینه اش نه تنها به این يك و نیم دهه بعد از ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱ بلکه حدود چهار دهه در گذشته برمی گردد، عبارت از اینست که افغانستان در بازی بزرگ ستراتیژیک جهان سرمایه به حیث میدان رقابت توسط امپریالیسم غرب علیه رقبای آسیائی اش استفاده می گردد و برای رسیدن به "نظم نوین" امریکائی، طولانی ساختن بحران در افغانستان، به کار اندازی حاکمیت های فوق ارتجاعی و تقویت مستقیم و غیرمستقیم تروریسم اسلامی یکی از مؤلفه های اصلی آن می باشد که بی ثبات نگهداشتن افغانستان و منطقه از طریق افغانستان نتیجه آن است.

ما اعتقاد داشتیم و داریم که حقنه ساختن این بحران با صدور دموکراسی و توافق ستراتیژیک امنیتی امریکا با افغانستان و نصب حاکمیت وابسته ارتجاعی به حیث راهکار دراز مدت زمینه ساز توالی جنگ و ناامنی و تقویت

تروریسم اسلامی در افغانستان است و مردم زحمتکش افغانستان قربانیان اصلی این بازی سیاسی اند. ما اعتقاد داشتیم و داریم که حکومت های کرزی و غنی و عبدالله به خودی خود بازوی اصلی حمایتگر و تحقق بخشنده تولید و بازتولید بحران های سیاسی و اجتماعی در افغانستان هستند که با در نظر داشت همان خط ستراتیژیک نمی خواهند و نمی توانند مایه امید در مسیر تغییر مثبت به نفع جامعه باشند.

درست از چنین منظری جنایت اسلامیت ها با انفجارها و حمله برنامه ریزی شده و گشتار رژیم که در برابر موجی از اعتراض مدنی و کاملاً صلح آمیز مردم افغانستان انجام یافت درس تلخی است برای آگاه سازی بیشتر مردم افغانستان و دور ساختن ماسک های فریبکارانه نیروی اسلام سیاسی و حاکمیت ارتجاعی غنی و عبدالله و اعلام گسست همیشگی با چنین ساختارهای ضدانسانی. به نظر ما ایجاد و گسترش بحران کنونی در افغانستان پیام گسترده و عمیقی را به تمام نیروهای آزادیخواه و همه مردم افغانستان مخابره می کند که باید برای نجات و دریافت راه واقعی نجات تنها عبور از حاکمیت ارتجاعی کنونی در افغانستان و شناخت پتانسیال ضدبشری نیروی تروریسم اسلامی کافی نیست؛ همین امروز صف آرائی های جدیدی در حال تکوین و شکل گیری است، در یک سوی این صف قدرت حاکمه و ارتجاع اسلامی - قومی و حامیان جهانی و منطقه ای شان قرار دارد و در سوی دیگر آن مردم آزادیخواه و زحمتکش معترض به وضع موجود.

تظاهرات شهروندان کابل که با قساوت و خشونت پاسداران حاکمیت پوشالی مواجه گردید، یک نمود مهم چنین صف آرائی و وجود ظرفیت و امکان شکل گیری قطب سومی در جامعه است. بخشی از ارتجاع رانده شده از دسترخوان قدرت و شخصیت ها و فیگورهای از آن در کمین نشسته اند تا از اعتراضات و مطالبات به حق مردم عاصی و آزادیخواه برای نیل به اهداف حقیر سیاسی و منافع اقتصادی شان استفاده ابزاری نمایند. ارتجاع اسلامی و ناسیونالیست های تباری در تلاش اند تا حرکت اعتراضی مردم را به کژراهه تخصصات و تمایزات قومی و تباری سوق دهند و سناریوی سیاه دیگری از انقطاب و بربریت را بر جامعه تحمیل نمایند.

مردم معترض و آزادیخواه و فعالان سوسیالیست باید با هوشیاری، متانت، آگاهی و تجربه اندوزی از تاریخ و پراکنش خونبار نیروهای سناریوی سیاه و با افشای حقیقت سیاسی و اهداف ارتجاعی حاکمیت ارتجاعی، این نیروها را از صف اعتراض توده ای مردم برانند و وجه تمایز شان را با این نیروهای مرتجع صریح و روشن رو به جامعه اعلام نمایند. امر به کرسی نشاندن مطالبات و خواسته های به حق مردم به سازماندهی و تشکل نیاز دارد. بدون وجود تشکل آگاه، منضبط و سازمانده با خواست ها و مطالبات روشن و ترسیم افق پیروزی هیچ حرکت ایله جاری به پیروزی نرسیده و نخواهد رسید. بر نیروهای سوسیالیست، چپ و آزادیخواه جامعه است که سعی نمایند با سازماندهی و ایجاد دسته های پیشرو انقلابی، تقویت و تحکیم صف متحد سوسیالیستی، جنبش اعتراضی مردم را هدایت و به سرمنزل مقصود برسانند. مبارزه با رژیم پوشالی، ارتجاع اسلامی و ناسیونالیسم تباری بدون در افتادن با مناسبات حاکم و نظام سرمایه داری خوشخیالی بیش نیست. تعویض مهره ها بدون دست بردن به ریشه و دگرگون ساختن نظم موجود هیچ دردی از درد کارگران و اقشار زحمتکش و اکثریت مردم آزادیخواه از زن و مرد را درمان نخواهد کرد.

زنده باد سوسیالیسم!

پیروز باد جنبش حق طلبانه و آزادیخواهانه مردم!

شورای مرکزی سازمان سوسیالیست های کارگری افغانستان

۱۴ جوزا ۱۳۹۶؛ ۴ جون ۲۰۱۷